



## والدین تا چه حد مجاز به تنبیه کودک هستند؟/رفتارهایی که کودک آزاری محسوب می شوند

«مستاصل است، ترس دارد. اصلا نمی‌داند چگونه باید پاسخگوی تقاضاهایی باشد که او را از دنیای کودکانه اش دور می‌کند.» این مشکل آن دسته از کودکانی است که آموزش ندیده اند تا در مقابل تهدیدها، ترس‌ها، تحقیرها و انواع آسیب‌ها ایستادگی کنند.

«مستاصل است، ترس دارد. اصلا نمی‌داند چگونه باید پاسخگوی تقاضاهایی باشد که او را از دنیای کودکانه اش دور می‌کند.» این مشکل آن دسته از کودکانی است که آموزش ندیده اند تا در مقابل تهدیدها، ترس‌ها، تحقیرها و انواع آسیب‌ها ایستادگی کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان، شیوا دولت آبادی، روانشناس و فعال حوزه کودک درباره آموزش کودکان برای دفاع از خود در مقابل انواع آسیب‌ها به «آرمان امروز» می‌گوید: از زمانی که می‌توان به کودکان از طریق کلامی آموزش داد، باید به آنها بگوییم که مثلا حریم بدن آنها تا کجاست و اگر کسی آنها را تهدید کرد، باید آن‌قدر با والدین‌شان نزدیک باشند که همیشه گفت‌وگو دائمی و عمیق بین‌شان رد و بدل شود تا مبادا چیزی از قلم بیفتد و کودکان رها شوند، چون در آن صورت آنها مجبور می‌شوند ترس‌هایی را از دیگران در خود درونی کنند.

یکی از جلوه‌های کودک‌آزاری نادیده گرفتن حقوق کودکان است، به گونه‌ای که برخی بزرگسالان با محروم کردن از غذا، حبس کردن در زیرزمین یا مجبور کردن به انجام کاری به روح و روان کودکان آسیب وارد می‌کنند. به نظر شما این نحوه برخورد چه پیامدهایی دارد؟

اگر کودک کار اشتباهی انجام می‌دهد والدین باید او را در زمان کوتاهی از خود جدا کرده و در گوشه‌ای از اتاق قرار دهند تا متوجه شود کاری که کرده اشتباه بوده است، اما ترساندن، تنها گذاشتن، محروم کردن، زندانی کردن و... جزو مصادیق کودک‌آزاری است و عوارض روانی بسیاری بر کودکان دارد، تا جایی که به درستی مشخص نمی‌شود که قرار است کدام رفتار اشتباه کودک تغییر کند، چون ترس او مانع یادگیری می‌شود. از سوی دیگر، غذا خوردن توسط کودکان کاری شایسته است که باید همیشه مورد تشویق قرار بگیرد، در حالی که محروم کردن او از غذا خوردن، مخصوصا در زمانی که گرسنه است کار بسیار خطایی است و شیوه تربیتی غذا خوردن را نقض می‌کند. البته امروزه برای والدینی که بخواهند فرزندان خود را خوب تربیت کنند، دستورالعمل‌های بسیار مناسبی وجود دارد که به سادگی می‌توانند به آنها دسترسی پیدا کرده و از آن استفاده کنند که عمدتا به آن «فرزند پروری مثبت» گفته می‌شود، یعنی اگر در ابتدا به دنبال آن باشیم که چه رفتاری خوب است و بعد کودکان را به انجام آن تشویق کنیم و اگر رفتاری مناسب نیست آنها را به انجام آن تشویق نکنیم، کودکان می‌فهمند که رفتار اشتباه‌شان مورد تایید ما نیست. البته پیگیری این مساله حوصله، مدارا و برنامه ریزی والدین مسئولیت پذیر را می‌طلبد تا بدون آسیب به کودکان، آنها را در کمال آرامش رشد و پرورش دهند. طبیعتا هر کسی که فرزند دارد وقتی والد خوبی است که با برنامه بخواهد رفتارهای کودک خود را تنظیم کند. از سوی دیگر، مساله الگو بودن رفتار خود والدین هم مدنظر است و برای اینکه رفتارهای مناسب یاد گرفته شوند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک دارند. بنابراین آن روی سکه تنبیه این است که والدین بدانند چگونه می‌توانند رفتارهای مناسب را در فرزندان خود ایجاد و درونی کنند، نه آنکه صرفا با تنبیه‌های روانی و جسمی سلامتی کودکان را به مخاطره بیندازند.

والدین در امور تربیتی کودکان نقش بسزایی دارند و در پاره‌ای موارد ممکن است از روش‌های مختلفی استفاده کنند. از منظر شما حیطه اختیارات والدین در تنبیه کودکان تا چه حد مجاز است؟

از نظر حقوقی حتی در کشور ایران هم اگر مساله کودک‌آزاری به آزار قابل مشاهده از سوی دیگران تبدیل شود به عنوان جرم مطرح است و زمانی که کودکان مورد ضرب و شتم و غفلت جدی قرار می‌گیرند، یعنی به سلامت، بهداشت، تحصیل و رشد آنها به صورت آشکار بها داده نشود مورد کودک‌آزاری قرار گرفته‌اند. همچنین از منظر اخلاقی، انسانی و ژنتیکی از والدین انتظار می‌رود در عین حال که حمایت‌کننده فرزندان هستند و عملا کودکان بی‌پناه را خودشان به دنیا آورده و پناه می‌دهند باید هدایت‌کننده و جهت‌دهنده به رفتارهای درست و متناسب با او هم باشند. طبیعتا اگر والدین خیلی از این موارد فاصله بگیرند، فرزندپروری مثبت اتفاق نمی‌افتد و هم از منظر انسانی و هم از منظر حقوقی خلاف انتظار است. ما امروزه بی‌سرپرست و بد سرپرست را تعریف کرده‌ایم. گاهی اوقات غفلت‌های طولانی از کودکان مصداق بد سرپرستی است و از منظر حقوقی هم قابل پیگیری است. با وجود این، در قوانین ما آمده که در آسیب جسمانی باید جای ضرب و شتم دیده شود، در حالی که قبل از

بروز این آثار هزار اتفاق بد دیگر افتاده است تا سوختگی و جراحی روی بدن کودک ظاهر شده است. بنابراین برای تنبیه کودکان توسط والدین حد مجاز تعریف نشده و مرز بندی ندارد، اما تا جای ممکن باید از هر گونه تنبیه روانی و جسمی پرهیز شود، چون ذهن کودک نمی‌داند چگونه خوبی را تفسیر کند و بهره ببرد. این تنبیه شامل غفلت، تحقیر، تهدید، ترساندن، آسیب روانی و جسمانی به کودک است و به نوعی کودک‌آزاری محسوب می‌شود.

با توجه به اینکه برخی اوقات شاهد هستیم که دیگران به صورت مخفیانه کودکان را مورد آزار و اذیت روحی و جسمی قرار می‌دهند، چه آموزش‌هایی باید در مقابل این نوع رفتارها به کودکان داد تا ضربه پذیر نباشند؟ برای سنین متفاوت راه‌های مختلفی وجود دارد. در زمانی که کودکان بسیار کوچک هستند و کلام ندارند، آسیب‌ها را فقط به صورت هیجانی پردازش می‌کنند. بنابراین نظارت والدین یا جایگزین نظارت والدین باید کاملاً مداوم باشد تا کودکان آسیب‌های این‌چنینی را نبینند. همچنین از زمانی که می‌توان به کودکان از طریق کلامی آموزش داد باید به آنها بگوییم که مثلاً حریم بدن آنها تا کجاست و اگر کسی آنها را تهدید کرد باید آن‌قدر با والدین‌شان نزدیک باشند که همیشه گفت‌وگوی دائمی و عمیق بین شان رد و بدل شود تا مبادا چیزی از قلم بیفتد و کودکان رها شوند، چون در آن صورت آنها مجبور می‌شوند که ترس‌هایی را از دیگران در خود درونی کنند. به همین دلیل باید فرصتی برای گفتن مشکلات شان به والدین به وجود آید. از سوی دیگر، ممکن است کودکان این قبیل مسائل را به والدین شان نگویند. بنابراین ضروری است والدین در قالب گفت‌وگوهای بازی گونه یا در قالب سوال پرسیدن پیرامون اینکه «امروز چه اتفاقی افتاد، روز خوبی داشتی یا بد؟» اطلاعاتی را راجع دنیای ذهنی به ویژه هیجانی کودکان کسب کنند. گذشته از این مسائل کودکان باید بتوانند از خودشان دفاع کنند. آنها در سنینی که به مدرسه می‌روند با بچه‌های دیگری در ارتباطند. این در حالی است که مدرسه در شکل‌گیری ترس‌ها، اضطراب‌ها و حتی بی‌زاری کودکان از جمع بسیار تاثیرگذار است. آنها باید بدانند به بسیاری از انتظارات دیگران نه بگویند و مشکلات‌شان را با بزرگ‌ترها در میان بگذارند، آن هم به معنای کمک گرفتن، نه به معنای لوس بودن و چغلی کردن. حتی باید کودکان خودشان دنبال راه حل مشکلات شان باشند تا به این طریق قوی شوند. با وجود این، تظاهرات متفاوتی که کودکان در برابر هم دارند باعث می‌شود که آنها مقاومت خود را حفظ کرده و رشد کنند. طبیعتاً مهارت‌های اجتماعی با افت و خیزهای ارتباطی حاصل می‌شود، یعنی اگر کودکان را بیش از اندازه حمایت کنیم فرصت دفاع از خود را در بزرگسالی از آنها می‌گیریم. بنابراین به جرات ورزی کودکان، همدلی تنگاتنگ والدین و نظارت مهدکودک‌ها و مدارس نیاز است تا ساختارهای آزارگر کودکان کنترل شده و جلو آسیب‌ها گرفته شود، چون شخصیت کودکان در حال رشد است و باید به این موضوع توجه کرد.